Iran Varzeshi Newspaper

iranvarzeshii

www.INN.ir/sport

• چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵ • ۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
• سال سی‌ام • شماره ۸۲۶۱

ایران ورزشی

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
• سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
• سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
• تلفن: ۱۴ـ۸۸۵۰۴۱۱۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
• چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ ۸۸۵۰۱۳۰۰ ـ ۸۸۷۴۶۵۸۳
• امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

قرارداد مربی؛ فقط دستمزد نیست

یکی از اشتباه‌های رایج در تحلیل قرارداد مربیان، محدود کردن بحث به رقم دستمزد است. در واقع، قرارداد مربی مجموعه‌ای از تعهدات مالی و فنی را شامل می‌شود که باید در کنار یکدیگر بررسی شوند. مدت همکاری، زمان شروع و پایان قرارداد، شرایط فسخ، پاداش‌ها، هزینه‌های کادر فنی، تعهدات مربوط به اردوها و مسابقات و نحوه پرداخت مطالبات، همگی بخشی از ساختار قراردادی هستند. برای مثال، ممکن است قرارداد یک سرمربی تا پایان یک رقابت معتبر باشد، اما در صورت عدم صعود یا تغییر برنامه مسابقات، وضعیت همکاری نیازمند بررسی مجدد شود. همچنین ممکن است قرارداد شامل پاداش‌هایی باشد که فقط در صورت تحقق اهداف مشخص پرداخت می‌شوند. در چنین شرایطی، اعلام رقم کلی قرارداد بدون توضیح درباره اجزای آن، تصویر دقیقی از هزینه واقعی همکاری ارائه نمی‌دهد. این موضوع در فوتبال ایران، به‌ویژه در قراردادهای تیم ملی، باید با دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد.

حکم مربیگری صادر می‌شود اما تکلیف دستیاران سرمربی همچنان مبهم است

امپراطوری قراردادهای بدون امضا

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور
خبرنگار

در فوتبال ایران، انتخاب سرمربی تیم ملی معمولاً با اعلام نام یک مربی، انتشار تصاویر جلسه معارفه و وعده آغاز دوره‌ای تازه همراه می‌شود؛ اما پشت این مراسم‌های رسمی، گاهی پرونده‌ای پیچیده از قراردادها، مطالبات مالی، تعهدات باشگاهی و اختلاف‌نظر درباره اعضای کادر فنی وجود دارد که آینده نیمکت تیم ملی را تا آخرین مراحل همکاری در وضعیتی نامشخص نگه می‌دارد.

ماجرای حضور یحیی گل‌محمدی در تیم ملی امید، نمونه‌ای از همین وضعیت است؛ پرونده‌ای که نشان داد توافق با سرمربی لزوماً به معنای پایان مذاکرات و فراهم شدن شرایط آغاز همکاری نیست. در این ماجرا، وضعیت قرارداد دستیاران و همکاران فنی گل‌محمدی همچنان محل ابهام است. در شرایطی که تمرینات تیم امید از روز گذشته زیر نظر مربی جدید آغاز شده، تکلیف قرارداد اعضای کادر فنی گل‌محمدی هنوز مشخص نشده است.

این موضوع به تیم ملی امید محدود نمی‌شود. وضعیت قرارداد سرمربیان تیم ملی بزرگسالان، مربیان تیم‌های پایه، دستیاران و قراردادهای باشگاهی، تصویری از یک نظام قراردادی ناهمگون در فوتبال ایران ارائه می‌دهد؛ ساختاری که در آن گاهی مدت همکاری مشخص است، اما جزئیات مالی در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند و حتی اصل وضعیت قرارداد به موضوع اختلاف تبدیل می‌شود.

در چنین شرایطی، مسأله اصلی میزان دستمزد مربیان نیست، بلکه نبود سازوکاری شفاف برای انعقاد قرارداد، ثبت تعهدات، تعیین مسئولیت‌ها، پرداخت مطالبات و مدیریت اختلافات است؛ سازوکاری که بتواند مانع تبدیل یک انتخاب فنی به چالشی مدیریتی و حقوقی شود.

در یک ساختار حرفه‌ای، قرارداد سرمربی و اعضای کادر فنی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که وضعیت تعهدات پیشین آنها از ابتدا روشن باشد. در غیر این صورت، حتی پس از توافق با سرمربی نیز ممکن است اختلافات باقی‌مانده درباره دستیاران، آغاز همکاری با تیم ملی را به تأخیر بیندازد.

پرونده گل‌محمدی نشان می‌دهد که فرایند انتخاب سرمربی نباید به تصمیم‌گیری فنی درباره یک گزینه محدود بماند. فدراسیون فوتبال باید همزمان با توافق با او، وضعیت قراردادی اعضای کادر فنی موردنظرش را نیز تعیین تکلیف می‌کرد. توافق با سرمربی بدون روشن شدن وضعیت قرارداد دستیاران، یک تصمیم فنی را به پرونده‌ای چندجانبه با ابعاد مالی و حقوقی تبدیل کرده است؛ موضوعی که می‌توانست با بررسی دقیق‌تر تعهدات موجود، پیش از نهایی شدن انتخاب مدیریت شود.

اهمیت این مسأله برای تیم ملی امید دوچندان است؛ تیمی که باید در چهارچوب برنامه‌ریزی بلندمدت فوتبال ایران فعالیت کند و نمی‌تواند در آغاز همکاری با ابهام درباره ترکیب و وضعیت قراردادی کادر فنی روبه‌رو باشد.

پرونده گل‌محمدی؛ پرسش‌هایی درباره فرایند انتخاب

در این ماجرا، قرارداد دستیاران به موضوعی مستقل تبدیل شد و فدراسیون ناچار بود برای حل آن مذاکرات جداگانه‌ای را دنبال کند. این اتفاق پرسشی اساسی را پیش روی مدیران فدراسیون قرار می‌دهد: آیا پیش از انتخاب گل‌محمدی، تمام جزئیات قراردادهای اعضای کادر فنی موردنظر او بررسی شده بود؟

اگر پاسخ مثبت است، چرا تعیین تکلیف این موضوع به مذاکرات طولانی و برگزاری جلسه شبانه نیاز پیدا کرد؟ اگر پاسخ منفی است، چگونه فرایند انتخاب سرمربی بدون بررسی کامل وضعیت قراردادی همکاران او آغاز شده است؟

این پرسش‌ها بدون دسترسی به متن قراردادها و توضیحات رسمی طرف‌های مذاکره، پاسخ قطعی ندارند؛ اما همین پرونده ضرورت بازنگری در شیوه مدیریت قراردادهای مربیان و پیش‌بینی موانع احتمالی را نشان می‌دهد.

دستیاران؛ حلقه کمتر دیده‌شده در قراردادهای فوتبال ایران

در مباحث مربوط به انتخاب سرمربی، تمرکز اصلی معمولاً بر نام مربی، سوابق حرفه‌ای، میزان دستمزد و اهداف فنی قرار دارد. دستیاران کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند؛ در حالی که نقش آنها در شکل‌گیری کادر فنی و اجرای برنامه‌های تیم ملی اهمیت زیادی دارد. پرونده گل‌محمدی نشان داد که قرارداد دستیاران می‌تواند به اندازه قرارداد سرمربی در روند انتقال و آغاز همکاری تعیین‌کننده باشد.

> انتخاب سرمربی زمانی می‌تواند به همکاری باثبات منجر شود که وضعیت تمام اعضای کادر فنی، تعهدات پیشین و مسئولیت‌های مالی طرفین از ابتدا روشن باشد

این مسأله در فوتبال باشگاهی نیز اهمیت دارد. مربیان معمولاً با مجموعه‌ای از دستیاران، مربیان بدنساز، تحلیلگران و اعضای کادر تخصصی همکاری می‌کنند و وضعیت قراردادی هر یک از آنها بر شکل‌گیری مجموعه فنی تأثیر می‌گذارد. در یک ساختار حرفه‌ای، قرارداد سرمربی باید مشخص کند انتخاب اعضای کادر فنی چگونه انجام می‌شود، مسئولیت پرداخت دستمزد آنها بر عهده چه کسی است و در صورت پایان همکاری سرمربی، وضعیت قرارداد دستیاران چگونه تعیین خواهد شد. نبود شفافیت در این موارد می‌تواند با هر تغییر در کادر فنی، اختلافات تازه‌ای ایجاد کند.

برای مثال، ممکن است سرمربی بخواهد دستیاران مورد اعتماد خود را به تیم ملی منتقل کند، اما این افراد همچنان با باشگاه قبلی قرارداد داشته باشند. در این شرایط، فدراسیون باید درباره فسخ قرارداد، پرداخت مطالبات یا زمان پایان همکاری با باشگاه مربوطه مذاکره کند؛ وضعیتی که در پرونده گل‌محمدی نیز مطرح شد.

مسأله اصلی داشتن قرارداد از سوی دستمزد آنها نیست چراکه برخورداری از قرارداد مشخص، حق طبیعی و ضروری اعضای کادر فنی است. پرسش اینجاست که چرا وضعیت این قراردادها پیش از نهایی شدن انتخاب سرمربی به‌طور کامل بررسی و تعیین تکلیف نشده است؟

این پرونده بار دیگر ضرورت توجه فدراسیون فوتبال به ابعاد حقوقی و قراردادی انتخاب مربیان را یادآوری می‌کند. انتخاب سرمربی زمانی می‌تواند به همکاری باثبات منجر شود که وضعیت تمام اعضای کادر فنی، تعهدات پیشین و مسئولیت‌های مالی طرفین از ابتدا روشن باشد. در غیر این صورت، یک توافق فنی نیز ممکن است با مذاکرات فرسایشی و اختلافات قراردادی روبه‌رو شود.



عکس: فدراسیون فوتبال

برش

قراردادهای مربیان؛ چرا ثبت رسمی اهمیت دارد؟

ثبت رسمی قراردادها، یکی از پایه‌های مدیریت حرفه‌ای فوتبال است. قراردادی که فقط در قالب توافق شفاهی یا مذاکرات غیررسمی باقی بماند، ممکن است در صورت بروز اختلاف، با دشواری بیشتری قابل پیگیری باشد. در مقابل، قرارداد ثبت‌شده می‌تواند مبنای روشن‌تری برای تعیین تعهدات طرفین فراهم کند. این مسأله درباره سرمربی، دستیاران و سایر اعضای کادر فنی اهمیت دارد. در فوتبال ایران، گاهی گزارش‌هایی درباره ثبت‌نشدن قرارداد مربیان یا وعده ثبت در آینده منتشر می‌شود. چنین گزارش‌هایی، در صورت صحت، نشان‌دهنده فاصله میان توافق اولیه و تکمیل فرآیند رسمی است. اما باید میان ثبت قرارداد، امضای قرارداد و آغاز همکاری تفاوت قائل شد.

ممکن است توافق انجام شده باشد، اما مراحل ثبت آن هنوز تکمیل نشده باشد. ممکن است قرارداد امضا شده باشد، اما اطلاعات مالی یا تعهدات مربوط به اعضای کادر فنی نیازمند تکمیل باشد. بنابراین، برای ارزیابی وضعیت هر مربی، لازم است اطلاعات دقیق درباره مرحله قرارداد در دسترس باشد.

فوتبال بزرگسالان؛ قرارداد سرمربی و مسأله شفافیت

1

در سطح تیم ملی بزرگسالان نیز قرارداد سرمربی یکی از مهم‌ترین بخش‌های مدیریت فوتبال ایران محسوب می‌شود. سرمربی تیم ملی، علاوه بر مسئولیت فنی، در مرکز تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه مسابقات، اردوها، انتخاب بازیکنان و هماهنگی با باشگاه‌ها قرار دارد. به همین دلیل، قرارداد او باید از نظر مدت همکاری، تعهدات فنی، شرایط فسخ و پرداخت‌ها روشن باشد.

در بحث‌های مربوط به فوتبال ایران، عنوان «قرارداد سفیدامضا» نیز مطرح شده است؛ عنوانی که در صورت استفاده درباره یک قرارداد مشخص، نیازمند بررسی متن و توضیحات رسمی است. قرارداد سفیدامضا، اگر واقعاً به معنای امضای سند بدون تکمیل اطلاعات اصلی باشد، می‌تواند زمینه‌ساز اختلاف درباره تعهدات طرفین شود. اما صرف استفاده از این عبارت در گزارش‌های رسانه‌ای، برای اثبات وضعیت حقوقی یک قرارداد کافی نیست. برای ارزیابی دقیق، باید مشخص شود که قرارداد چه زمانی امضا شده، چه اطلاعاتی در آن درج شده و آیا طرفین درباره جزئیات مالی و تعهدات به توافق رسیده‌اند یا خیر. در فوتبال ایران، این مسأله به دلیل حساسیت قراردادهای تیم ملی و توجه عمومی به هزینه‌های فدراسیون، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

اختلاف قراردادها؛ مسئولیت فدراسیون در مدیریت منابع

2

فدراسیون فوتبال ایران برای مدیریت تیم‌های ملی، با مجموعه‌ای از هزینه‌ها مواجه است. دستمزد سرمربی و دستیاران، هزینه اردوها، سفرها، برنامه‌های آماده‌سازی و سایر تعهدات مالی، بخشی از این مسئولیت را تشکیل می‌دهند. در چنین شرایطی، قراردادها باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که امکان برنامه‌ریزی مالی وجود داشته باشد. اگر مبلغ قراردادها روشن نباشد یا وضعیت پرداخت‌ها با تأخیر مواجه شود، ممکن است اختلافات مالی به بخشی از روند همکاری تبدیل شود. البته هر اختلاف مالی الزاماً به معنای ضعف مدیریتی نیست؛ قراردادهای حرفه‌ای ممکن است با تغییر شرایط، اختلاف در تفسیر یا تأخیر در پرداخت مواجه شوند.

اما وجود سازوکار روشن برای حل اختلاف، از اهمیت زیادی برخوردار است. فدراسیون باید بتواند مشخص کند که در صورت بروز اختلاف، چه مرجعی مسئول رسیدگی است، چه مدارکی مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و چگونه از توقف برنامه‌های تیم ملی جلوگیری می‌شود.

تغییر سرمربی؛ قرارداد دستیاران چه می‌شود؟

3

یکی از مسائل مهم در فوتبال ایران، وضعیت دستیاران پس از تغییر سرمربی است. در بسیاری از تیم‌ها، سرمربی با اعضای کادر فنی مورد اعتماد خود همکاری می‌کند. این افراد ممکن است قراردادهای مستقلی داشته باشند یا در چهارچوب قرارداد اصلی سرمربی فعالیت کنند. اگر قرارداد دستیاران مستقل باشد، تغییر سرمربی لزوماً به معنای پایان همکاری آنها نیست. اگر قرارداد آنها به حضور سرمربی وابسته باشد، باید شرایط پایان همکاری به‌طور روشن تعریف شود. این مسأله در تیم ملی نیز اهمیت دارد. فدراسیون فوتبال باید بداند که در صورت پایان همکاری با سرمربی، وضعیت دستیاران چگونه خواهد بود و آیا قراردادهای آنها نیز خاتمه پیدا می‌کند یا ادامه می‌یابد. همچنین باید مشخص شود که در صورت انتقال سرمربی به یک تیم دیگر، آیا اعضای کادر فنی می‌توانند همراه او منتقل شوند یا محدودیت‌هایی در قرارداد وجود دارد. پرونده گل‌محمدی نشان داد که این موضوع می‌تواند از یک مسأله فرعی به یکی از موانع اصلی انتقال تبدیل شود.

فوتبال ایران و ضرورت یک الگوی قراردادی

4

مجموعه پرونده‌های مربوط به مربیان فوتبال ایران، ضرورت وجود یک الگوی قراردادی مشخص را برجسته می‌کند. این الگو باید بتواند برای قرارداد سرمربی، دستیاران و سایر اعضای کادر فنی، چهارچوبی روشن ایجاد کند. در چنین چهارچوبی، مدت همکاری، شرایط پرداخت، تعهدات فنی، وضعیت فسخ، مسئولیت اعضای کادر و نحوه حل اختلاف باید به‌طور مشخص تعریف شوند. همچنین لازم است فدراسیون فوتبال پیش از اعلام رسمی هر انتصاب، وضعیت قراردادهای قبلی مربی و اعضای کادر فنی را بررسی کند. این اقدام می‌تواند از ایجاد اختلاف در مراحل پایانی مذاکرات جلوگیری کند. در کنار آن، انتشار اطلاعات رسمی درباره قراردادها نیز اهمیت دارد. ضرورتی ندارد تمام جزئیات مالی قراردادها بدون محدودیت منتشر شوند؛ اما اطلاعات اصلی درباره مدت همکاری، وضعیت رسمی قرارداد و چهارچوب تعهدات باید به شکلی قابل فهم در اختیار افکار عمومی قرار گیرد. شفافیت در این زمینه می‌تواند از شکل‌گیری روایت‌های متناقض جلوگیری کند.

فوتبال ایران به قراردادهای روشن نیاز دارد

5

پرونده یحیی گل‌محمدی و دستیارانش، نمونه‌ای از پیچیدگی‌های قراردادی در فوتبال ایران است؛ پرونده‌ای که در آن توافق با سرمربی، به دلیل وضعیت قرارداد اعضای کادر فنی با باشگاه دهوک عراق، به مذاکرات طولانی و جلسه شبانه گره خورد. با این حال، مسأله اصلی در این پرونده، صرفاً رقم قرارداد یا طولانی شدن مذاکرات نیست.

آنچه اهمیت دارد، ضرورت وجود یک نظام قراردادی روشن برای فوتبال ایران است؛ نظامی که بتواند وضعیت سرمربی، دستیاران، تعهدات مالی، شرایط فسخ و مسئولیت‌های طرفین را پیش از آغاز همکاری مشخص کند. فدراسیون فوتبال باید بتواند پیش از اعلام رسمی هر انتصاب، از وضعیت قراردادهای قبلی مربیان و اعضای کادر فنی اطلاع داشته باشد. همچنین لازم است قراردادها به‌گونه‌ای تنظیم شوند که تغییر سرمربی یا انتقال اعضای کادر فنی، به اختلافات غیرضروری منجر نشود. در نهایت، فوتبال ایران برای مدیریت حرفه‌ای تیم‌های ملی، به قراردادهایی نیاز دارد که نه‌تنها از نظر مالی، بلکه از نظر حقوقی و اجرایی نیز روشن باشند. اگر این اصل در فرآیند انتخاب مربیان رعایت شود، احتمال آنکه یک انتصاب ملی به پرونده‌ای پیچیده از اختلافات قراردادی تبدیل شود، کاهش خواهد یافت. فوتبال ایران برای ثبات فنی، به ثبات قراردادی نیز نیاز دارد؛ ثباتی که باید از پیش از معرفی سرمربی آغاز شود و تا پایان همکاری، تمام اعضای کادر فنی را در برگیرد.

مرز باشگاه و تیم ملی؛ مسئولیت فدراسیون کجاست؟

6

یکی از ابعاد مهم پرونده گل‌محمدی، ارتباط میان قراردادهای باشگاهی و مسئولیت‌های تیم ملی است. سرمربی تیم ملی ممکن است پیش از انتخاب، در یک باشگاه داخلی یا خارجی فعالیت کند. اعضای کادر فنی او نیز ممکن است قراردادهای مستقلی داشته باشند. در چنین شرایطی، فدراسیون فوتبال باید از ابتدا مشخص کند که همکاری با مربی چگونه انجام خواهد شد و چه تعهداتی برای خروج او از قرارداد قبلی وجود دارد. این موضوع به‌ویژه در انتقال مربیان از باشگاه‌های خارجی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا ممکن است قراردادها تابع قوانین، شرایط پرداخت و سازوکارهای حقوقی متفاوتی باشند. با این حال، خارجی بودن باشگاه قبلی به‌تنهایی دلیل پیچیدگی نیست. مسأله اصلی، نحوه مدیریت تعهدات است. اگر فدراسیون پیش از انتخاب سرمربی، وضعیت قراردادهای او و اعضای کادر فنی را بررسی کند، می‌تواند درباره زمان شروع همکاری، هزینه‌های احتمالی فسخ و مسئولیت پرداخت‌ها تصمیم دقیق‌تری بگیرد. اما اگر این بررسی به مراحل پایانی مذاکرات موکول شود، امکان دارد فدراسیون با فشار زمانی مواجه شود و برای حل مسأله، ناچار به مذاکرات فوری باشد. در پرونده گل‌محمدی، جلسه شبانه و ادامه مذاکرات با مدیران دهوک نشان داد که مسأله قرارداد دستیاران، به بخشی از روند انتقال تبدیل شده است. این موضوع، ضرورت وجود یک فرآیند مشخص برای بررسی قراردادها را برجسته می‌کند.

تیم ملی امید؛ چرا قراردادها باید پیش از انتصاب تعیین تکلیف شوند

7

تیم ملی امید از نظر برنامه‌ریزی فوتبال ایران جایگاهی ویژه دارد. این تیم باید بازیکنان جوان را برای ورود به سطح بالاتر فوتبال آماده کند و در عین حال، از یک برنامه فنی منسجم برخوردار باشد. در چنین شرایطی، ثبات کادر فنی اهمیت زیادی دارد. اگر انتخاب سرمربی با اختلافات قراردادی همراه شود، زمان آماده‌سازی تیم ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد. اگر دستیاران در زمان شروع همکاری مشخص نباشند، برنامه‌ریزی تمرینات، اردوها و ارزیابی بازیکنان نیز با دشواری مواجه خواهد شد.

این موضوع به معنای آن نیست که هر اختلاف قراردادی الزاماً به عملکرد تیم آسیب می‌زند؛ اما مدیریت حرفه‌ای باید از ایجاد چنین شرایطی جلوگیری کند. فدراسیون فوتبال می‌تواند با بررسی قراردادهای مربیان پیش از اعلام رسمی، احتمال بروز اختلاف را کاهش دهد. همچنین لازم است در قرارداد سرمربی، وضعیت اعضای کادر فنی به‌صورت روشن تعریف شود. اگر دستیاران قرار است همراه سرمربی فعالیت کنند، باید مشخص باشد که انتخاب آنها چه زمانی انجام می‌شود و آیا قراردادشان به قرارداد سرمربی وابسته است یا مستقل خواهد بود. این موضوع در تیم ملی امید اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا برنامه تیم‌های پایه معمولاً به یک دوره کوتاه محدود نیست و نیازمند استمرار در ارزیابی بازیکنان، ارتباط با باشگاه‌ها و هماهنگی با سایر تیم‌های ملی است.

با این اوضاع نمی‌توان به آینده خوشبین بود

امیرآبادی: پروسه انتخاب مربیان تیم ملی خیلی عجیب است



واکنش

مهدی امیرآبادی با انتقاد از روند انتخاب و ابقای مربیان در فوتبال ایران، تأکید کرد که تصمیم‌گیری درباره تیم‌های ملی، به‌ویژه در رده‌های پایه، باید بر اساس رزومه، تجربه و توانایی فنی افراد انجام شود. او معتقد است فوتبال ایران برای خروج از شرایط فعلی نیازمند بازنگری جدی در ساختار مربیگری و توجه بیشتر به فرایند بازیکن‌سازی است.

امیرآبادی با بیان این مطلب در ادامه توضیح داد: «من خودم ۲۲ سال در فوتبال بودم. سؤال من این است که سعید الهویی کجای فوتبال ما بوده و چه جایگاهی داشته است؟ وقتی درباره انتخاب افراد برای تیم‌های ملی صحبت می‌کنیم، باید مشخص باشد که این انتخاب‌ها بر چه اساس و با چه معیاری انجام شده است.»

وی با انتقاد از برخی تصمیم‌های مدیریتی در فوتبال پایه افزود: «آقای احمدی چرا باید دوباره ابقا شود؟ به چه علتی؟ علتش را به ما بگویید. آقای حدادی‌فر را هم برای تیم جوانان انتخاب کرده‌اند؛ رزومه‌اش چه بوده که مستقیم آمده و سرمربی تیم جوانان شده است؟ آیا برای چنین مسئولیتی نباید تجربه و سابقه افراد به‌صورت مشخص بررسی شود؟»

این فعال فوتبال با اشاره به ضرورت پاسخگویی در انتخاب مربیان تیم‌های ملی، تصریح کرد: «مسأله این است که باید بدانیم چه کسانی را انتخاب می‌کنیم و چرا این انتخاب‌ها انجام می‌شود. نمی‌شود بدون توضیح درباره رزومه و عملکرد افراد تصمیم گرفت و انتظار داشت فوتبال کشور به نتیجه مطلوب برسد.»

امیرآبادی با مقایسه شرایط فوتبال ایران و ژاپن گفت: «تیم ژاپن را نگاه کنید؛ چقدر سرمایه‌گذاری می‌کند؟ ما دنبال چه هستیم و اصلاً به کدام سمت می‌رویم؟ باید ببینیم کشورهای دیگر برای توسعه فوتبال خود چه برنامه‌ای دارند و ما در این مسیر چه کرده‌ایم.»

وی ادامه داد: «فقط مدارس فوتبال زیاد شده و زمین چمن بیشتری داریم. اما بازیکن‌سازی چه شده است؟ بازیکن‌سازی ما کجاست؟ باید بررسی کنیم که این همه فعالیت در فوتبال پایه چه خروجی داشته و چرا نتوانسته‌ایم به اندازه کافی بازیکن باکیفیت تولید کنیم.»

امیرآبادی معتقد است افزایش تعداد مدارس فوتبال و توسعه زیرساخت‌ها، به‌تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده پیشرفت فوتبال باشد. به گفته او، مهم‌تر از تعداد زمین‌ها و مراکز آموزشی، کیفیت آموزش، انتخاب مربیان و برنامه‌ریزی اصولی برای پرورش استعدادهاست. این فعال فوتبال با تأکید بر اهمیت انتخاب مربیان متخصص خاطرنشان کرد که تیم‌های ملی پایه باید محل اجرای برنامه‌های بلندمدت و اصولی باشند. انتخاب مربیان باید با معیارهای روشن انجام شود و عملکرد آنان نیز در طول مسئولیت مورد ارزیابی قرار بگیرد.

امیرآبادی در پایان با انتقاد از وضعیت بازیکن‌سازی در فوتبال ایران گفت: «ما باید ببینیم بازیکن‌سازی‌مان چه شده است. فقط افزایش تعداد مدارس فوتبال کافی نیست. اگر می‌خواهیم فوتبال پیشرفت کند، باید برای انتخاب مربیان، آموزش بازیکنان و توسعه فوتبال پایه برنامه داشته باشیم.»

> وقتی درباره انتخاب افراد برای تیم‌های ملی صحبت می‌کنیم، باید مشخص باشد که این انتخاب‌ها بر چه اساس و با چه معیاری انجام شده است

